

اشتراک‌ها و اختلاف‌های زبان فارسی با ترکی آذربایجانی

دکتر سعید قره آغاچلو
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

چکیده:

زبان یک نظام است و هر نظامی دارای عناصری است و اختلافات زبانی و گوناگونی آن در عناصر زبان بوده، هر زبانی علاوه بر همگانی‌های زبانی، قواعد ویژه خود را دارد.

زبان رایج در منطقه شمال غرب ایران ترکی آذربایجانی است و در روند آموزش هدایت‌شده و کاربرد زبان دوم در مناطق دوزبانه باعث تداخل در عناصر زبانی می‌شود. لذا لازم است دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی از نظر رده‌شناسی و عناصر زبانی مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله نخست به تعاریف و مبانی هریک از عناصر زبانی از نظر صاحب‌نظران پرداخته شده، سپس اختلاف‌ها و اشتراک‌های ساختاری دو زبان در سطوح؛ واج، هجا، واژک و واژه، گروه و ترکیب و نیز جمله تحلیل گردیده است. اکثر واج‌های زبان فارسی در ترکی آذربایجانی وجود دارد و ترکی آذربایجانی چند واج بیشتر از زبان فارسی دارد. ساختار هجا در ترکی آذربایجانی جایگاه ویژه‌ای دارد و قانون هماهنگی آواها بر این زبان حاکم است. ساختار واژه، گروه و ترکیب متفاوت با زبان فارسی است و ساختار جمله با فارسی یکسان است و حرف ربط در ترکی آذربایجانی وجود ندارد و برای پیوند جملات مرکب از وجوه مصدری، وصفی، قیدی و ... افعال استفاده می‌شود.

کلید واژه‌ها:

رده‌شناسی (Typology) پیوندی (Agglutinative)
ترکی آذربایجانی (Azarian turkish) عناصر زبانی (Lingual elements)
هماهنگی آواها (Harmony of voices)

مقدمه:

یکی از پدیده‌هایی که عامل پیشرفت‌های بشری و وجه تمایز گستردگی زندگی انسانی با موجودات دیگر در طول اعصار متمدنی بوده، مسلماً زبان است و سیر تکاملی جوامع انسانی بدون آن نه تنها میسر نبوده، بلکه قابل تصور نیز نمی‌باشد. چرا که زبان قبل از اینکه وسیله انتقال و ارتباط باشد، وسیله تفکر و اندیشه انسانی است و «افراد انسان اندیشه‌ها و افکار پیچیده خود را با به‌کارگیری زبان منظم می‌کنند. به این معنی که اندیشیدن که یکی از ویژگی‌های مهم نوع انسان است، در شکل پیشرفته و پیچیده خود تنها از راه زبان جریان می‌یابد.» (مشکوة-الدینی، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

به هر حال رابطه زبان با تفکر مقوله‌ای جدا از هدف این مقاله است و در تعریف دیگر این پدیده می‌توان گفت: زبان، یک نظام بسیار پیچیده قاعده‌مند ذهنی است که به صورت‌های مختلف؛ آوایی، نوشتاری، اشاره‌ای، نشانه‌ای و... در بیرون از ذهن نمود پیدا می‌کند. کثرت قومی و کثرت زبانی و گویشی یکی از ویژگی‌های سرزمین ایران است. زبان رایج در منطقه شمال غرب کشور بخصوص استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، زنجان ترکی آذربایجانی است و ترکی آذربایجانی جزو زبان‌های آلتائیک بوده، ویژگی عمده آن پیوندی^(۱) بودن نظام واژگانی، نحوی و وجود همخوانی و واکه‌ای ویژه در نظام آوایی آن است و با زبان فارسی که جزو زبان‌های هند و اروپایی است و خاصیت تصریفی^(۲) دارد، تفاوت‌های فاحشی در نظام آوایی، صرفی و نحوی دارد «زبان ترکی آذربایجانی در مقایسه با زبان‌های کردی، گیلگی، لری و ... از نظر ساختاری متفاوت با زبان

فارسی می باشد.» (زندى، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶). در حالیکه مرزهای گویشی^(۳) یزدی، اصفهانی و ... در مقایسه با کردی، به زبان معیار نزدیکتر و همگونی بیشتری دارد. معلوم است که هر نظامی دارای عناصری است و عناصر زبانی را در وهله اول می توان چنین بیان کرد:

۱- واج ۲- هجا ۳- واژک و واژه ۴- گروه (ترکیب) ۵- جمله.
 زبان فارسی و زبان ترکی از نظر ساختاری (آوایی، واژگانی، دستوری) با هم تفاوت هایی دارند. در نتیجه از برخورد یک زبان با زبان دیگر تداخل ایجاد گردیده، باعث اختلال در روند آموزش در مناطق دوزبانه می شود. هردو زبان ممکن است دارای چند واج (آوا) با ویژگی مشترک و واج هایی با ویژگی های متفاوت باشد و فراگیر زبان ممکن است آنها را یکسان تلقی کرده، به جای یکدیگر استفاده کند و هنگام استفاده از زبان دوم الگوی زبان مادری را به کارگیرد. همین مسأله تعیین خط مرز زبانی^(۴) و پیوستار گویشی^(۵) زبان های فارسی و ترکی- آذربایجانی را ایجاد می کند.

رده شناسی^(۶) زبانی:

هر زبانی که بشر به آن تکلم می کند دارای مجموعه ای از قواعد و روابط دستوری غنی است. (ترسک، ۱۳۷۹، ص ۴۱). از نظر هومبولت^(۷) همه زبان ها در چارچوب رده شناسی زبانی به سه دسته تقسیم می شوند و آن طبقات سه گانه عبارتند از: زبان های تک هجایی^(۸)، زبان های پیوندی^(۹) و زبان های تصریفی^(۱۰). (روبیتر، ۱۳۷۰، ص ۳۷۶).

در زبان های تک هجایی هر کلمه از یک هجا تشکیل می شود و این هجا همیشه صورت واحدی دارد. یعنی اجزای آن تغییر نمی کند، به عبارت دیگر صرف

نمی‌شود. (خانلری، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰۸). در اینگونه زبان‌ها، در صورت واژه‌ها هیچ‌گونه نشانه‌ای وجود ندارد که رابطه نحوی آن‌ها را نشان دهد. از این رو، تنها ترتیب و یا جای واژه در جمله نشان دهنده نقش یا رابطه نحوی آن است. زبان چینی نمونه‌ای از این دسته است. (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۷۳، ص ۵۸).

اما زبان پیوندی زبانی است که می‌توان واژه‌های آن را به سهولت به تکواژها تقسیم کرد. (ایچسون، ۱۳۸۰، ص ۲۴۴). و در زبان‌های پیوندی، ساخت واژه روشن است. به این معنی که واژه‌ها از اجزای کوچکتر معنی‌داری تشکیل می‌شود که به دنبال یکدیگر پیوند می‌یابند، و هم معنی واژگانی و هم رابطه دستوری آن را آشکار می‌سازد. زبان ترکی نمونه این گونه زبان‌هاست. (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۷۶، ص ۵۸).

زبان‌های پیوندی در برابر زبان‌های تصریفی یا ترکیبی بر اساس درجه تقطیع‌پذیری واژه‌ها به واژک‌ها مشخص می‌شوند. در یک‌زبان پیوندی مرز واژک‌ها مشخص است و ارتباط بین تکواژگونه‌ها تا حد زیادی از لحاظ واج‌شناسی تعریف می‌شود. (خوش باطن، ۱۳۸۵، ص ۷۵). ترکی، فنلاندی، مجاری و سواهیلی نمونه بارز چنین زبانی است. (همان، ص ۲۲).

زبان‌های تصریفی به نوعی است که در آن تکواژها به گونه‌ای با هم ادغام می‌شوند که به عنوان عناصر مجزا به سادگی قابل تشخیص نیستند. (ایچسون، ۱۳۸۰، ص ۲۴۴).

مراد از زبان‌های تصریفی، آن زبان‌هایی است که تغییرات دستوری که در صورت کلمات آنها پدید می‌آید، یا از رهگذر تغییرات درونی ساخت ریشه حاصل می‌شود. یا از رهگذر وندهایی که به کمک نوعی تناوب‌های واژ- واجی

به کلمات افزوده می شوند که در تکواژهای سازنده آن کلمات پدید می آیند، به طوری که وحدت صوری کلمات پس از این نوع تغییرات نه تنها از بین نمی رود بلکه تحکیم هم می شود. (روبینز، ۱۳۷۰، ص ۳۷۷).

زبان های لاتین، یونانی باستان و عربی نمونه ای از زبان های تصریفی است و واژه های تصریفی فعل در زبان فارسی و برخی زبان های دیگر نیز ساخت تصریفی را نشان می دهد.

مقایسه عناصر زبانی فارسی و ترکی آذربایجانی واج (آوا)^(۱۱)، واجگونه:^(۱۲)

واج عبارت است از کوچکترین واحد صوتی ممیز معنی که از تقطیع دوم زبان به دست می آید. واج نام کوچکترین واحد ملفوظ و گفتاری زبان است. (باقری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۴). هر یک از آواهای متمایز کننده معنی در یک زبان، واج نامیده شده اند. اگر ما در یک کلمه، آوایی را جانشین یک آوای دیگر کنیم و معنی آن کلمه تغییر کند، این دو آوا نمایانگر دو واج متفاوت اند. (یول، ۱۳۷۶، ص ۶۹).
گونه های آوایی قابل پیش بینی که از لحاظ آوایی شبیه و در توزیع تکمیلی اند «واجگونه» نامیده می شوند. واجگونه ها در یک واحد واجی به نام «واج» جای می گیرند. (اگرادی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۰۰). آوایی که نمی توانند به جای یکدیگر قرار گرفته و در نتیجه توانایی دگرگون کردن معنی واژه را ندارند، «واجگونه» نامیده می شوند. (ثمره، ۱۳۷۸، ص ۲۹-۲۸).

در هر زبانی آواها معمولاً به دو دسته؛ همخوان (صامت)^(۱۳) و واکه (مصوت)^(۱۴) تقسیم می شوند. زبان فارسی و ترکی آذربایجانی نیز از این تقسیم

جدا نبوده، زبان فارسی دارای شش واکه (مصوت) و بیست و سه همخوان (صامت) و در مجموع دارای بیست و نه واج یا آواست.

واج‌های زبان فارسی با آوا نگاری خط فونوتیک عبارتند از:

واکه‌ها: /- / (a) - / (e) - / (o) / (ā) / (u) ای / (i) .

همخوان‌ها: / (b) پ / (p) ت (و: ط) / (t) ث (و: س، ص) / (s) ج / (j) چ / (C) / (h) خ / (x) د / (d) ذ (و: ز، ض، ظ) / (z) ر / (r) ژ / (Z) ش / (S) ع (و: ء) / (ʔ) / (f) غ (و: ق) / (q) ک / (k) گ / (g) ل / (L) م / (m) ن / (n) و / (v) ی / (y) .

در مقابل زبان ترکی آذربایجانی دارای نه واکه (مصوت) و بیست و چهار همخوان (صامت) است و در مجموع دارای سی و سه واج یا آوا می‌باشد.

واج‌های زبان ترکی آذربایجانی با آوا نگاری خط فونوتیک عبارتند از:

واکه‌ها: /- / (a) - / (e) - / (o) / (ā) / (u) ای / (i) ی / (i) و / (ō) / (u) [و و] / (ow) .

همخوان‌ها: / (b) پ / (p) ت (و: ط) / (T) ث (و: س و ص) / (s) ج / (j) / (c) / (h) خ / (x) د / (d) ذ (و: ز، ض، ظ) / (z) ر / (r) ژ / (Z) ش / (S) ع / (ʔ) / (f) غ / (q) ق / (g) ک / (k) گ / (g) ل / (L) م / (m) ن / (n) و / (V) / (w) [و و] / (w) ی / (y) .

به این ترتیب تمام واج‌های زبان فارسی اعم از واکه و همخوان در زبان ترکی آذربایجانی وجود دارد و تنها تفاوت در واج /ک/ (k) می‌باشد. در ترکی آذربایجانی همخوان /ک/ (k) وجود نداشته و به جای آن همخوان /ک (k) / است. در فارسی تلفظ /ک/ (K) پسگامی، انفجاری است ولی در ترکی-آذربایجانی تلفظ آن لثوی، انفجاری - سایشی است.

همچنین در ترکی آذربایجانی همخوان / r / پیشکامی- لثوی است اما در فارسی میانکامی و در انگلیسی پسکامی بوده، در هر سه زبان به صورت لرزشی تلفظ می‌شود.

به خاطر همین تلفظ پیشکامی- لثوی، همخوان / r / در ترکی- آذربایجانی هرگز در اول واژه قرار نمی‌گیرد و در کلمات دخیل عربی و فارسی که با واج / r / آغاز می‌شوند، هنگام تلفظ یک همخوان / (r) / و یک واکه به اول کلمه اضافه می‌گردد. مانند:

رحیم ← ایرحیم

رضا ← ایرضا

روس ← اوروس

رومیه ← اورومیه

همچنین سه واج واکه‌ای / u / و / u / در کلماتی نظیر: اوزوم⁷ (انگور)، گوموش⁷ (نقره)، گوزگو⁷ (آینه)، و واکه / o / و / o / در کلماتی نظیر: گوز (چشم)، گول⁷ (دریاچه، تالاب)، سوز (سخن) و نیز واکه / i / و / i / در کلماتی نظیر: پینچاق (چاقو)، چیراق (چراغ)، دیرناق (ناخن)، در زبان‌های فارسی و عربی وجود ندارد.

البته در مورد واکه‌های فوق گفتنی است طبق نظر زبان‌شناسان- همانطور که در مبانی نظری واج گفته شد- اگر «ما در یک کلمه، آوایی را جانشین یک آوای دیگر کنیم و معنی آن کلمه تغییر کند، این دو آوا نمایانگر دو واج متفاوت- اند. (یول، ۱۳۷۶، ص ۶۹). در کلماتی نظیر: اوزوم⁷ (انگور)، اوزوم (خودم)، و ... تغییر معنی ایجاد شده بنابراین واکه‌های / u / و / u / و / o / و / o / دو واج جدا و متفاوت می‌باشند. واکه / i / و / i / نیز در ترکی آذربایجانی بین / e / و / e / ای / i / تلفظ می‌شود.

علاوه بر آنها یک واکه صدا دار مرکب / ow / و / ow / در کلماتی نظیر: تو و لاماق (چرخاندن)، قو و ماق (فراری دادن)، قو و لوق (بادکنک) وجود دارد که در زبان فارسی نیز در کلماتی نظیر فردوسی (ferdowsi) و دویدن (dowidan) به کار می‌رود، با این تفاوت که در زبان فارسی امروزی

در حال حذف و تبدیل به واکه ساده / (o) /، مانند: *Ferdosi* و *doidan* است ولی در ترکی آذربایجانی کاملاً فعال و در حال کاربرد تمام می‌باشد.

در همخوان‌ها نیز واج / و / (*w*) در ترکی آذربایجانی کاربرد دارد. در کلماتی مانند: وورما (= *wurm* به معنی زدن)، وورگون (= *wurgun* به معنی شیفته و شیدا) و نیز وار (= *w ar* به معنی وجود دارد) و... وجود دارد و همانند زبان انگلیسی متفاوت با همخوان / و / (*v*) است.

از دیگر تفاوت‌های واجی؛ در زبان فارسی دو نشانه /غ/ و /ق/ برای یک واج /q/ به‌کار می‌رود. در حالی‌که در ترکی آذربایجانی هر یک از این نشانه‌ها برای واجی جدا به‌کار می‌رود. نشانه /غ/ برای همخوان /q/ و نشانه /ق/ برای همخوان /g/ و نشانه /گ/ برای همخوان /g/ به‌کار گرفته می‌شود. به این ترتیب سه نشانه فارسی /غ/، /ق/ و /گ/ برای نشان دادن دو همخوان در فارسی و نشانه‌های مزبور برای بیان سه همخوان در ترکی آذربایجانی می‌باشد.

همچنین «تشدید معمولاً در واژه‌های تازی تبار و به‌ندرت در واژه‌های فارسی تبار به‌کار می‌رود. مانند: اتحاد، محمد، درّه، پله؛ اما در واژه‌های ترکی گاهی متداول است؛ مانند: بی‌دئی (هفت)، سگیز (هشت)، دقوز (نه) و... ولی بیشتر به جای تشدید خود هر دو حرف مکرر را می‌نویسند؛ چون ساققال، باققال. (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). در ترکی آذربایجانی همخوان /ق (g) / در صورت قرار گرفتن در میان دو صدا دار تبدیل به /غ (q) / می‌شود. مانند: اوتاق (*ot a q*)، اوتاغا (*ot a q a*)، یایلاق (*y a y l a g*)، یایلاغا (*y a y l a q a*)، دیرناق (*D i m a g*)، دیرناغی (*D i m a q i*)، چیراق (*c i r a g*)، چیراغی (*c i r a q i*).

لازم به ذکر است که همین تفاوت‌های واجی و عدم تطابق برخی واج‌هاست که باعث به وجود آمدن "لهجه" می‌شود و بنا به گفته آندره مارتینه "لهجه بیگانه" زائیده همان گرفتن نابجای واحدهای آوایی دو زبان متفاوت است. (مارتینه، ۱۳۸۰، ص ۱۵).

هجاء: ۱۵

زبان شناسان تاکنون تعریف های متعددی را از هجاء کرده اند. احتمالاً علت اصلی این اختلاف تعریف ها؛ اختلاف ساختمان هجاء در زبان های مختلف و گوناگونی شیوه های تکوین هجاء در زبان های متفاوت است.

به طور کلی می توان گفت: هجاء کوچکترین مجموعه واجی است که از ترکیب چند واج حاصل می شود و می توان آن را در یک دم زدن بی فاصله و قطع ادا کرد. با این تعریف، هر گفتاری از یک رشته هجاهای متوالی و پی در پی تشکیل می یابد. (باقری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷). کوچکترین واحد آوایی مرکب را هجاء می خوانیم. (همان، ص ۱۱۹).

الگوهای ساخت هجاء در زبان فارسی همانند زبان ترکی آذربایجانی است با تفاوت قانون هماهنگی واکه ها، که جایگاه ویژه ای در ترکی آذربایجانی دارد و یکی از موارد اختلافات و بروز لهجه ها می باشد.

الگوهای سه گانه ساخت هجاء در زبان فارسی و ترکی آذربایجانی عبارتند

از:

- ۱- صامت + مصوت مانند: تو، دو، سه، تا
- ۲- صامت + مصوت + صامت مانند: بر، دل، سگ، تاب
- ۳- صامت + مصوت + صامت + صامت مانند: برگ، سرد، یافت، گفت

قانون هماهنگی آواها در ترکی آذربایجانی:

تغییر آواها در ترکی آذربایجانی، در ترکیب هجاها با هم و ساخت واژه-های چند هجایی رخ می‌دهد، به همین خاطر این مبحث مربوط به کیفیت ترکیب هجاها است و باید در بخش هجا مورد بحث قرار گیرد نه در سطح واج. در زبان فارسی و عربی هماهنگی واکه‌ها (مصوت‌ها) در واژگان چند هجایی لزومی ندارد و در یک واژه چند هجایی می‌تواند هم واکه کوتاه بیاید و هم مصوت بلند. مانند: سَوَاد، کِتَاب، دَانِش و... ولی در ترکی آذربایجانی اگر واژه‌ای چند هجایی، دارای واکه بلند باشد، واکه‌های هجاها را دیگر نیز به تبعیت از آن به صورت بلند آورده می‌شوند. مانند:

ائو + لر (پسوند جمع) ← ائولر سوز + لر (پسوند جمع) ← سوزلر
 داغ + لار (پسوند جمع) ← داغلار باش + لار (پسوند جمع) ← باشلار
 در ترکی کلمات دخیل فارسی، عربی و... نیز به تبعیت از قانون هماهنگی واکه‌ها، مصوت‌های کوتاه هجاها تبدیل به مصوت‌های بلند می‌شوند. مانند: سَوَاد (سواد)، سَلَام (سلام)، دَانِش (دانش)، کِتَاب (کتاب)، آدَم (آدم)، کَاظِم (کاظم).

در کل قانون هماهنگی آواها در زبان ترکی آذربایجانی در بیش از ده بخش انجام می‌گیرد: ^(۱۶)

۱- قانون توالی آواها:

آلا + جاق (نشانه صرف زمان) ← آلاجاق (خواهد گرفت).
 وئره + جک (نشانه صرف زمان) ← وئره جک (خواهد داد).

۲- آیین همسان سازی واج‌ها:

چَمَن + لر (نشانه جمع) ← چمن لر جاوان + لار (نشانه جمع)
 ← جاوانلار

۳- آیین هم طرازی حرف ها:

آت + لر (نشانه جمع) ← آت در (گوشت ها) ایت + لر (نشانه جمع) ← ایت در (سگ ها)

۴- گروه های فعلی دوگانه:

سنو+مک (نشانه مصدری) ← سنومک (دوست داشتن) دور + ماق (نشانه مصدری) ← دورماق (ایستادن).

۵- دگرگونی های واج های آغازین و میانی واژه های دخیل:

سَراب ← ساراب کاسب ← کاسیب
دُشمن ← دوشمان کابین ← گبیین
اسلام ← ایسلام
دوست ← دُست

۶- تراش خوردگی واژه ها:

کیچیک + ایل + مک ← کیچیلیمک
آیری + ایل + ماق ← آیریلماق

۷- نبود تشدید:

آما ← آما
بَقال ← باققال

۸- حروف میانجی (وقایه):

مژده + (ن) + ین ← مژدهنین
آنا + (س) + ئ ← آناسی
آتا + (ی) + ا ← آتایا
بو + (ر) + ا ← بورا

۹- دگرگونی های ویژه حروف واژه های ترکی و دخیل:

اوزو ← یوزو (صورتش)، ایگیت ← ایگید (جوان)، گوج ← گوزلو (قدرتمند)،
نارنج ← ناریش، اوچ ← اوش (سه)، آیاق ← آیاغی، بویان + نان ← بویاننان،
باغ + چا ← باخچا، گندر + لر ← گندلر، غوره ← قورا.

۱۰- متحرک ساختن حروف ساکن واژگان دخیل:

عُمر ← عؤمور شکر ← شوکور
عطر ← عطیر شَهْر ← شَهَر

همچنین «مصوت های ترکی نسبت به فارسی و عربی کوتاه اند و حتی مصوت های بلند فارسی و عربی هم در ترکی کوتاه می شوند. ولی در اشعار ترکی که با وزن عروضی گفته می شوند بعضی اوقات، بعضی هجاها بلند خوانده می شوند.» (هیئت، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

تکواژه^(۱۷)، واژه: (۱۸)

کوچکترین واحد معنی‌دار زبان را که از تجزیه اول به دست می‌آید تکواژ می‌نامیم. در زبان فارسی تکواژها از یک یا دو یا سه یا چهار هجا تشکیل می‌شوند. (باقری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹). واژه کوچکترین واحد معنی‌دار یا نقشمند دستوری است. (یول، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

واژه کوچکترین صورت آزاد است. صورت آزاد عنصری است که می‌تواند به تنهایی به کار رود و یا جایگاهش نسبت به عناصر پیرامونش کاملاً ثابت نیست. اگرچه می‌توان واژه را کوچکترین صورت آزاد تعریف کرد، اما کوچکترین واحد معنادار زبان نیست، زیرا آن را باز هم می‌توان به واحدهای کوچکتری تقسیم کرد. (اگرادی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲-۱۵۳).

همان طوریکه قبلاً گفته شد زبان فارسی و عربی از جمله زبان‌های تصریفی است و در زبان‌های تصریفی هم پایه یا بن واژه می‌تواند تغییر درونی یابد و هم با افزودن پیشوند، پسوند و نیز پی‌بندهای تصریفی، واژه می‌تواند به معانی گوناگون اشاره کند. (مشکوة الدینی، ۱۳۷۳، ص ۵۸). اما زبان ترکی از رده زبان‌های پیوندی است و در اینگونه زبان‌ها واژه از اجزای کوچکتر معنی‌دار تشکیل می‌شود که به دنبال یکدیگر پیوند می‌یابند و هم معنی واژگان و هم رابطه دستوری آن را آشکار می‌سازد. (همان).

در زبان‌های تصریفی ریشه کلمات هم ضمن صرف، تغییر می‌کند. مانند: گفتن و می‌گویم و در زبان‌های پیوندی کلمات جدید از چسبانیدن پسوند به ریشه

کلمات ایجاد می شوند و این مسأله سبب پیدایش لغات جدید و غنای لغوی می گردد. (هیئت، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

اصل توالی منطقی پیوندها یکی دیگر از جنبه های تمایز زبان های ترکی است. به موجب این اصل، در زبان های ترکی از انواع پیوندها، آنچه وظیفه ماهوی داشته و در معنی خود کلمه ایجاد تصرف کند، در فاصله نزدیکتر به ریشه و آنچه نقش خارجی داشته و برای ایجاد همبستگی میان اجزای مختلف کلام به کار می رود، در فاصله دورتری از ریشه قرار می گیرد. (خوش باطن، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵).

به این ترتیب در ترکی پیشوند و میانوند وجود ندارد و واژگان به دو صورت ساده (بسیط) و یا ترکیبی از بن (کوک) و پسوند (اک) می باشند. مانند:

واژه گوز (ساده)؛ به معنی چشم است و با اضافه شدن پسوند اتصاف

"ل" به صورت گوزل (زیبا، به چشم آینده) در می آید و با اضافه شدن پسوند

مصدری "لیک"؛ گوزللیک (زیبایی) تبدیل به مصدر می گردد و با اضافه شدن پسوند جمع "لر"، جمع بسته می شود: گوزللیک لر (زیبایی ها).

گوز (بُن) + ل (پسوند اتصاف) + لیک (پسوند مصدری) + لر (پسوند

جمع) ← گوزللیک لر.

او و (بُن = آهو) + چی (پسوند شغل) + لئیک (پسوند مصدری) + لار (پسوند

جمع) ← او و چیلئیک لار.

یاز (بُن = نوشتن) + دیر (پسوند مجهول ساز) + ماق (پسوند مصدری) + لار

(پسوند جمع) ← یازدیرماقلار.

دؤن (بُن = چرخیدن) + گه (پسوند مکان) + لیک (پسوند مصدری) ← دؤنگه

لیک.

به این ترتیب بن در انواع کلمه؛ اسم، فعل، صفت و... ثابت و یکی است

و برخلاف زبان فارسی بن ماضی و مضارع در ترکی آذربایجانی وجود ندارد.

انواع کلمه:

انواع کلمه در زبان فارسی هفت نوع است: ۱- فعل ۲- اسم ۳- صفت ۴- ضمیر ۵- قید ۶- شبه جمله ۷- حرف.

انواع کلمه در زبان ترکی آذربایجانی همانند زبان فارسی است. با این تفاوت که در ترکی آذربایجانی حرف به صورت پیوند (پسوند) می‌آید و پیوندها به دو نوع عمده توصیفی و تصریفی تقسیم می‌شوند. پیوندهای توصیفی به لحاظ اینکه نقش خود را در داخل کلمه و در زمینه مفهوم تازه بخشیدن بر آن ایفا می‌کنند، از پیوندهای تصریفی که وظیفه ارتباط کلمه را با سایر اجزای کلام فراهم می‌سازند، بر ریشه نزدیکترند. (همان). مانند:

خانه‌ها ← ائولر / از خانه‌ها ← ائولردن / به خانه‌ها ← ائولره
 آهنگر ← دمیرچی / به آهنگر ← دمیرچی یه / آهنگر را ←
 دمیرچی نی

فعل:

افعال ترکی بسیار غنی و ابواب آن بسیار وسیع است، در افعال ترکی با اضافه کردن پسوندها می‌توان از بن لازم، فعل متعدی و مجهول درجه یک، دو و حتی درجه سه بوجود آورد، بدون این که نیازی به استعمال فعل مرکب یا جمله بوده باشد. (هیئت، ۱۳۸۰، ص ۳۹۶). مثال از ساخت مجهول:

یاز (بُن) + یِل + دیر + یت + دی ← یاز یلدیر یتدی (نوشتانیده شدانید).
 قاچ (بُن) + یِل + دیر + یت + دی ← قاچ یلدیر یتدی (فراری داده شدانیده شد).

«همه فعل‌های ترکی، دستورمند (با قاعده) هستند و از قانون واحدی (آیین هماهنگی آواها) پیروی می‌کنند؛ جز فعل ناقص کهن مرده "ایمک"

معادل "هستیدن" (= استیدن = بودن) فارسی که در زبان زنده و پویای ترکی برخی از ساخت های آن در دو نقش فعل معین و فعل ربطی به کار می روند؛ مانند دو فعل "ایدئ" و "دئ" در دو جمله زیر که اولی، نقش ربطی و دومی، نقش فعل معین دارد:

یاشار غایب ایدئ. (یاشار غایب بود). یاشار غایب دئ. (یاشار غایب است).
یاشار گنتمیش ایدئ. (یاشار رفته بود). یاشار گنت دئ. (یاشار رفت).»
(احمدی گیوی، ۱۳۸۳، ص ۶۸).

«زبان های ترکی از نظر وسعت و تنوع افعال از زبان های غنی محسوب می شوند و در این زبان ها افعال حالت انعطاف و استعداد فوق العاده ای به تصریف و پذیرش مفاهیم متنوع ابزار می دارند. جالب اینجاست که این انعطاف پذیری عموماً مبتنی بر نظم و قاعده می باشد به طوری که زبان های ترکی از نظر تصریف افعال از با قاعده ترین زبان ها محسوب می گردند.» (خوش باطن، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸)

زمان در فعل های ترکی آذربایجانی گسترده است و افعال در بیش از پنجاه زمان قابلیت کاربرد دارند. به عبارت دیگر در ترکی آذربایجانی بیش از پنجاه نوع صرف فعل از نظر زمانی و کارکرد در قالب سه زمان ماضی، مضارع و آینده وجود دارد.

در ترکی آذربایجانی همانند زبان فارسی هر فعل شش شخص دارد؛ اول شخص، دوم شخص، سوم شخص، مفرد و جمع در تمام اشخاص.

اسم، صفت، قید:

در ترکی آذربایجانی مانند زبان فارسی علامت جنس و حرف تعریف وجود ندارد و جنس هر اسم از مدلول آن معلوم می شود. به غیر از علامت جنس "ایم" که امروزه غیرفعال بوده و ویژگی ترکیبی خود را از دست داده است و تنها در چند کلمه، نظیر: خانیم ← خانم، بیگیم ← بیگم و ... باقی مانده است.

خان (مرد بزرگ) + یم (پسوند تأنیث) ← خانیم، (زن بزرگ، در فارسی به صورت خانم به کار می‌رود).

بیگ (مرد بزرگ) + یم (پسوند تأنیث) ← بیگیم (مرد بزرگ، در فارسی به صورت بیگم به کار می‌رود).

برای ساختن اسم، صفت و قید مشتق طبق قانون هماهنگی آواها از بُن (اسمی و فعلی) و پسوندها استفاده می‌شود و آیین هماهنگی در ساخت اسم، صفت و قید مرکب نیز شرط است.

آوردن اتباع با آواهای آغازین متنوع، تغییر آواهای میانی و... صورت می‌گیرد و در گل گستردگی خاص دارد. مانند: (قلم - مَلَم)، (شولوق - پولوق)، (آتداق - اوتداق)، (آندا - پیتدا)، (آخیر - اوخور)، (آلا - بولا)، (ایلان - چالان)، (بزک - دوززک)، (قیویر - زیویر) و...

حرف:

چنان که گفته شد در ترکی حروف وجود ندارند. اما امروزه برخی حروف عربی و فارسی اعم از ربط، ندا و... به ترکی آذربایجانی وارد شده و کاربرد پیدا کرده است. مانند:

دندیم کی گلجه یم (گفتم که می‌آیم)، به جای: گلجه یمیم دندیم (آمدنم را گفتم).
یاشار و ساناز گنتدیلر (یاشار و ساناز رفتند)، به جای: یاشار ایلن ساناز گنتدیلر.

دندیم آما گنتدئ (گفتم اما رفت). به جای: دندیم سانکی (= آنجا) گنتدئ.
در ترکی آذربایجانی پسوند شرط به صورت "سه" و شکل های دیگر آن می‌باشد که در آخر افعال می‌آید. اما امروزه حرف شرط فارسی "اگر" و گویش ترکی آن "آیه" نیز در اول افعال شرطی آورده می‌شود که این تأثیر و نفوذ فارسی در این زبان است:

صورت ترکی: گل (بُن) + سه (پسوند شرط) + لر (پسوند جمع) گل سه لر (بیابند اگر).

صورت تداخلی: اگر (= آیه به زبان ترکی) (حرف شرط فارسی) + گل سه لر (اگر بیابند اگر).

قان دورماز اگر گس سه پنچاق، قیرسا دامار. (شیدا). ترجمه: اگر چاقو رگ را ببرد و قطع کند خون بند نمی‌آید.

همچنین میانوند در ترکی آذربایجانی وجود ندارد، ولی امروزه به تأثیر از فارسی گاهی به کار برده می‌شود:

دال + با + دال ← دال با دال (پشتاپشت) به جای : دال + دال + ا ← دالدال
 اوز + په + اوز ← اوز په اوز (روبرو) به جای: اوز + اوز + ه ← اوز
 اوزه

گروه (ترکیبات):

مجموعه‌ای است از کلمات که نمی‌توان آنها را مانند جمله به دو بخش نهاد و گزاره تجزیه کرد. به عبارت دیگر گروه از دو یا چند واژه حاصل می‌شود. واژه‌هایی که در یک گروه هستند باید با هم یک رابطه درونی منسجم داشته باشند. (باقری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). گروه‌ها نیز خود از سازه‌هایی تشکیل می‌شوند که با توجه به درجه پیچیدگی جمله ممکن است گروه‌های کوچکتر یا واژه‌ها را بر داشته باشند. (فالک، ۱۳۷۷، ص ۲۵۷).

در عمل دیده می‌شود که موقعیت هسته (واژه اصلی) در یک گروه شبیه موقعیت هسته در گروه دیگری است. به عبارت دیگر، جایگاه اسم در یک گروه اسمی مشابه جایگاه صفت در یک گروه صفتی، فعل در گروه فعلی و حرف اضافه در گروه حرف اضافه است. (ایچسون، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷).

ترکیب گروه‌های اسمی در ترکی آذربایجانی عکس زبان فارسی است؛ در زبان فارسی نخست مضاف و بعد از آن مضاف‌الیه می‌آید ولی در ترکی آذربایجانی اول مضاف‌الیه، سپس مضاف آورده می‌شود. مانند:

کتاب احمد ← احمدین کیتابی، گل یاس ← یاس گؤلۆ، پدر احمد ← احمدین آتاسی، کتاب گلستان سعدی ← سعدین گؤلۆستان کیتابی.

در مورد موصوف و صفت نیز چنین است. در زبان فارسی اول موصوف می‌آید و بعد از آن صفت. ولی در ترکی نخست صفت و بعد از آن موصوف قرار می‌گیرد. مانند:

گل زیبا ← گوزل گؤل
 دستمال کاغذی ← کاغاذ دستمالی
 پسر بزرگ ← بوئیوک اوغلان⁷
 پسر دونه ← قاچار اوغلان
 روزهای گذشته ← گنچمیش گؤنلر
 کتاب بزرگ ← بوئیوک کیتاب⁷

در زبان فارسی صفت بعد از ترکیب اضافی قرار می‌گیرد، در حالی که در زبان ترکی صفت می‌تواند قبل از مضاف‌الیه بیاید، که در این صورت مضاف‌الیه در حکم موصوف نیز می‌باشد. مثال:

برگ گل زیبا ← گوزل گؤل یاپراغی = گؤلون گوزل یاپراغی.
 ترتیب اعداد در زبان ترکی آذربایجانی مانند زبان فارسی است فقط با این تفاوت که در زبان فارسی از عدد یازده تا نوزده اول یکان آورده شده، سپس دهگان می‌آید و بعد از عدد بیست و یک اول دهگان سپس یکان می‌آید. ولی در ترکی همیشه عدد دهگان در اول، سپس یکان آورده می‌شود. در کل ترتیب اعداد در ترکی از بزرگ به کوچک (صدگان، دهگان، یکان) است. مانند:
 فارسی: دوازده، چهارده، هفده (هفت و ده)، بیست و یک، شصت و شش.
 ترکی: اون ائکی، اون دورد، اون یئتدی، ایگیرمی بیر، آتمیش التی.

جمله: (۲۰)

جمله یک واحد زبانی است که لااقل حامل یک پیام ذهنی باشد؛ مثال:
 حسین امتحان داشت. شب بخیر! هوا سرد نبود. جمله را براساس ساخت آن نیز می‌توان به این صورت تعریف کرد: جمله عبارت است از یک رشته واژه‌های مربوط به هم که مجموعاً به دو بخش نهاد و گزاره قابل تفکیک باشد. (نوبهار، ۱۳۷۲، ص ۳-۴).

جمله بزرگترین واحد نحوی است که بخش ها یا سازه هایی با روابط دستوری درونی موجود میان آنها و بویژه دو بخش عمده نهاد و گزاره دارد و خود بخشی از ساخت نحوی بزرگتری نیست؛ به این معنی که هیچ رابطه دستوری بیرونی ندارد و به یکی از صورت های اخباری، پرسشی، امری، تعجبی و التزامی ظاهر می شود. (مشکوة الدینی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۶).

هر زبان برای ساختن عبارات و جملات خود نظام ویژه ای دارد و ترتیب و نحوه همنشینی واژگان بر روی زنجیر گفتار در هر زبانی بر طبق قاعده و قوانین خاص آن نظام کلی صورت می گیرد و چنانچه از آن قواعد پیروی نشود زبان نقش اصلی خود را نمی تواند به جای آورد. (باقری، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷).

در زبان فارسی عناصر جمله غالبا از نظم و ترتیب خاصی برخوردارند ولی ساخت جمله فارسی به گونه ای است که ترتیب قرار گرفتن عناصر آن ثابت نیست. یعنی دارای خاصیت انعطاف پذیری است. به طور کلی جایگاه عناصر اجباری جمله های مختلف فارسی را می توان به ترتیب زیر نشان داد:

۱- ترتیب عناصر جمله اسمیه: مسند الیه + مکمل + مسند + رابطه (درخت بی- برگ، خشکیده بهتر است).

۲- ترتیب عناصر جمله فعلیه: فاعل + مفعول + متمم اجباری + فعل (من کتاب را به او سپردم).

قیدهای زمان، پرسش و تأسف اگر قید جمله باشد، غالبا قبل از نهاد و یا بعد از نهاد قرار می گیرند. مثال: معمولا او دیر می آید. او معمولا دیر می آید. (نوبهار، ۱۳۷۲، ص ۳۹-۴۰).

اما زبان ترکی یک زبان عامل- عمل است؛ این بدان معنی است که در این زبان فعل بعد از مفعول، صفت قبل از موصوف، مضاف الیه قبل از مضاف، بند

موصولی قبل از اسم هسته و صفت تفضیلی بعد از ملاک مقایسه قرار می‌گیرد و همچنین در این زبان نه پس‌اضافه وجود دارد و نه پیش‌اضافه. در حالی که زبان فارسی عمدتاً عمل - عامل است. (خوش باطن، ۱۳۸۵، ص ۳۳۷-۳۳۸).

ترتیب قرار گرفتن اجزا در جمله‌های ترکی، مانند فارسی است؛ یعنی نهاد (مسندالیه، فاعل) در آغاز جمله، فعل در پایان آن می‌آید و مفعول و متمم معمولاً به دنبال هم در میان فاعل و فعل قرار می‌گیرند و اگر جمله اسمیه باشد؛ نهاد (مسند الیه)، مسند و به دنبال آن مشتقات فعل "ایمک"؛ "ایدئ" و "دئ" می‌آید.

همچنین در ترکی آذربایجانی حروف ربط وابستگی، که دو جمله را به هم ربط داده و یکی را وابسته دیگری می‌کند، وجود ندارد و به جای آن افعال جمله وابسته، به صورت وجوه مصدری، وصفی و... (باغلائیچ) آورده می‌شود. مانند:

اٲوه گلرک، یاغئیش یاغدئ. (تا به خانه رسیدم باران بارید).

آیلارئ گؤررکن، اوتوردو. (تا آیلار را دید، نشست).

آعاج مینیب، آت گزدرن گؤنلریم (روزهایی که سوار چوب می‌شدم و مثل اسب می‌راندم).

اما چنان‌که قبلاً گفته شد؛ برخی حروف ربط عربی و فارسی وارد ترکی آذربایجانی شده و کاربرد پیدا کرده است.

تا دویونجان، باخام اول قامت رعنایه گلنیم. (کازمی، علی) (تا برای سیر دیدن آن قامت رعنا بیایم).

شهریار بیلر کئی، حکمی وار سؤزون (راحیم، محمد) (شهریار می‌داند که سخن حکم دارد.)

چون ائتدئ ترک، ورزشی ایران اوشاقلارئ

اولدئ ضعیف، سام و نریمان اوشاقلارئ

(معجز)

(چون بچه‌های ایران ورزش را ترک کردند، فرزندان سام و نریمان ناتوان شدند.)

در کل هر زبانی برای خود قاعده‌های صرفی و نحوی دارد که در مقایسه با زبان‌های دیگر می‌تواند اختلاف و اشتراک‌هایی با آنها داشته‌باشد. زبان ترکی-آذربایجانی نیز از این امر جدا نبوده، دارای اشتراک و اختلاف در حوزه عناصر زبانی با زبان فارسی است.

زبان‌شناس معروف استونی، ف. ویدرمان^(۲۱) در کتاب خود (۱۸۳۸) ویژگی‌هایی را که زبان‌های اورال - آلتائیک را از زبان‌های هند و اروپایی متمایز می‌سازد در چهارده ماده خلاصه کرده است:

- ۱- صداها هماهنگ هستند.
- ۲- در این زبان‌ها جنس وجود ندارد.
- ۳- حرف تعریف وجود ندارد.
- ۴- صرف به وسیلهٔ پسوندها انجام می‌گیرد.
- ۵- در صرف اسماء پسوندهای ملکی به کار می‌رود.
- ۶- اشکال افعال، غنی و متنوع است.
- ۷- در این زبان‌ها برخلاف زبان‌های هند و اروپایی وند^(۲۲) بعد از کلمه می‌آید.
- ۸- صفات قبل از اسماء می‌آیند.
- ۹- بعد از اعداد علامت جمع به کار نمی‌رود.
- ۱۰- مقایسه با مفعول منه^(۲۳) انجام می‌گیرد: (دن = از).
- ۱۱- برای فعل معین به جای داشتن فعل، از فعل بودن "ایمک" استفاده می‌شود.
- ۱۲- در بسیاری از این زبان‌ها برای حرکت منفی، فعل مخصوص موجود است.
- ۱۳- پسوند سؤال موجود است: "می، مؤ".
- ۱۴- به جای حروف ربط از اشکال فعل استفاده می‌شود. (به نقل از هیئت، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۷).

نتیجه گیری :

زبان فارسی از خانواده زبان‌های هند و اروپایی بوده؛ زبان ترکی آذربایجانی از خانواده زبان‌های آلتائیک است. از لحاظ رده‌شناسی زبان فارسی از زمره زبان‌های تصریفی و زبان ترکی آذربایجانی جزو زبان‌های پیوندی می‌باشد. در زبان فارسی ۲۹ آوا وجود دارد ولی در زبان ترکی آذربایجانی تعداد آواها ۳۳ می‌باشد. تغییرات کلمه فقط با افزودن پسوندها انجام می‌گیرد و بُن (ریشه) همیشه در اول کلمه است. در زبان فارسی بُن (ریشه) تغییر می‌کند. و پیشوند، میانوند و پسوند در ساخت کلمات کاربرد دارد. زبان ترکی آذربایجانی دارای شخص‌های مفرد و جمع است و فاقد تثنيه و جنسیت می‌باشد به غیر از پسوند (ئَم) در کلمات بیگ‌ئَم و خان‌ئَم که امروزه خاصیت اشتقاقی خود را از دست داده و پسوند غیرفعال محسوب می‌شود. در زبان فارسی نیز تثنيه وجود ندارد. در زبان ترکی آذربایجانی فعل مجهول یک درجه‌ای، دو درجه‌ای و سه درجه‌ای وجود دارد در حال که در زبان فارسی فعل مجهول، یک درجه‌ای است. در زبان فارسی مضاف‌الیه و صفت بعد از مضاف و موصوف قرار می‌گیرد، ولی ترکی آذربایجانی عکس زبان فارسی است و مضاف‌الیه و صفت قبل از مضاف و موصوف می‌آید. ترتیب ارکان جمله در زبان فارسی و ترکی-آذربایجانی یکسان است.

پی نوشت ها:

۱- agglutinative

۲- Inflectional

۳- dialect. Variation

۴- Lingual boundary

۵- Lect countinuity

۶- Typology

۷- w. von Humboldt (۱۷۶۷-۱۸۳۵)

۸- Syllabic languages

۹- Agglutinative languages

۱۰- Flectional languages

۱۱- Phoneme

۱۲- Allophone

۱۳- Consonant

۱۴- Vowel

۱۵- Syllable.

۱۶- برای اطلاع بیشتر به دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی، استاد فاضل دکتر حسن احمدی گیوی صفحه ۱۵ به بعد مراجعه شود.

۱۷- Morpheme

۱۸- Lexicon, word

۱۹- Phrase

۲۰- Sentence

۲۱- Wiedermann

۲۲- Affix.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ فارسی :

- ۱- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی، تهران: نشر قطره.
- ۲- اسمیت، نیل، ویلسون، دیردری (۱۳۶۷). زبان‌شناسی نوین، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۳- اُگرادی، ویلیام، دابرو ولسکی، مایکل، آرنف، مارک (۱۳۸۰) درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر، مترجم: دکتر علی درزی، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- ایچسون، جین (۱۳۸۰). مبانی زبان‌شناسی، مترجم: محمد فائض، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۵- باقری، مهری (۱۳۸۳). مقدمات زبان‌شناسی، تهران: نشر قطره.
- ۶- ترادگیل، پیتر (۱۳۸۳). زبان‌شناسی اجتماعی، مترجم: دکتر محمد طباطبایی، تهران: نشر آگه.
- ۷- ترسک، رابرت لارنس (۱۳۷۹). مبانی زبان، مترجم: علی فامیان، تهران: نشر مرکز.
- ۸- ثمره، یداله (۱۳۷۸). آوا شناسی زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۹- چامسکی، نوآم (۱۳۷۷). زبان و مسایل دانش، مترجم: دکتر علی درزی، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- ۱۰- خانلری، پرویز (۱۳۶۵). تاریخ زبان فارسی، ج ۱، تهران: فرهنگ نشر نو.
- ۱۱- خوش باطن، حسین (۱۳۸۵). مطالعه ساختار نحوی زبان ترکی از دیدگاه رده‌شناسی، تبریز: ناشر مؤلف.
- ۱۲- روبینز، ا. اچ (۱۳۸۱). تاریخ مختصر زبان‌شناسی، مترجم: محمد حق‌شناس، تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز).
- ۱۳- زندی، بهمن (۱۳۸۱). زبان آموزی، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- فالك، جولیا. اس (۱۳۷۷). زبان‌شناسی و زبان، بررسی مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی، مترجم: خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- ۱۵- قره آغاجلو، سعید (۱۳۷۸). تورک دیل یاساسی، جزوه تدریسی در دانشگاه پیام نور.
- ۱۶- قره آغاجلو، سعید (۱۳۸۸)، زبان و ویژگی های آن، اندیشه فرهنگی، شماره ۱۲ صص ۱۰-۵
- ۱۷- مارتینه، آندره (۱۳۸۰). مبانی زبان شناسی عمومی، اصول و روش های زبان شناسی نقش گرا، مترجم: هرمز میلانیان، تهران: انتشارات هرمس.
- ۱۸- مشکوٰةالدینی، مهدی (۱۳۷۶). سیر زبان شناسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۹- مشکوٰةالدینی، مهدی (۱۳۷۹). توصیف و آموزش زبان فارسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۰- نو بهار، مهرانگیز (۱۳۷۲). دستور کاربردی زبان فارسی، تهران: انتشارات رهنما.
- ۲۱- هال، رابرت اندرسن (۱۳۸۱). زبان و زبان شناسی، مترجم: دکتر محمد رضا باطنی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۲- هیئت، جواد (۱۳۶۴). سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، تهران: نشر پیکان.
- ۲۳- وثوقی، حسین (۱۳۷۱). مقالات زبان شناسی، تهران: انتشارات رهنمود.
- ۲۴- یول، جورج (۱۳۷۶). بررسی زبان، مترجمان: دکتر اسماعیل جاویدان، دکتر حسین وثوقی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

منابع و مأخذ انگلیسی:

- ۱- Flood, James, peter.h.salus (۱۹۸۴). language and the language arts, U.S.: prentice hall
- ۲- Steinberg, d. (۱۹۹۳). An introduction of psycholinguistics, Addison- Wesley Longman, ltd, ۱۹۹۳
- ۳- Trudgill (P. ۱۹۸۳). sociolinguistics: an introduction to language and society, England: penguin books
- ۴- Yule, George, (۱۹۸۵). The study of language, Cambridge university press